

سنجش میزان آگاهی عامه مردم از اصول پایه‌ای معماری

مژگان صالح آهنگر*

سعید تیزقلم زنوزی**

مهرداد جاویدی نژاد***

چکیده

با توجه به بدیهی بودن اهمیت معماری مناسب در کیفیت حالات و رفتارهای انسان در طول شبانه‌روز ضرورت پرداخت همه‌جانبه به این مهم از ابعاد مختلف و اساسی آن ایجاب می‌کند که شناخت اصول معماری درست در مردم نهادینه شود. با توجه به تخصصی شدن علم معماری و به تبع آن کم شدن آگاهی عمومی مردم از اصول معماری و همچنین با توجه به تأثیر متقابل معماری بر مردم و مردم بر معماری امروزه شاهد بروز مشکلاتی همچون عدم کنترل و نظارت کافی مردم بر معماری، عدم توجه مسئولان ذیصلاح در زمینه ساختمان سازی و معماری به نیازهای فرهنگی مردم و ...، پایین آمدن سطح سلیقه مردم در امور معماری چه در زمینه ساخت و یا خرید و اجاره ساختمان‌ها اشاره کرد. مقاله حاضر از حیث هدف آن یک تحقیق کاربردی، از حیث نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی (غیر آزمایشی) و از شاخه مطالعات میدانی است. روش انجام تحقیق به صورت پیمایشی بوده و به صورت کیفی و توصیفی - تحلیلی بوده است. در این تحقیق کیفی از ابزارهای گردآوری داده همچون روش منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، پیمایش میدانی مانند مشاهده غیرمشارکتی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در سطح شهر استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق با توجه به تنوع فرهنگی از شهر تهران و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. برای تحلیل نتایج از نرم‌افزار SPSS 16.0

* دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
M.salehahangar@gmail.com

** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Sae.tizqalam_zonouzi@iauctb.ac.ir

*** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Meh.javidinejad@iauctb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۶

فصلنامه راهبردهای اجتماعی - فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۳۳-۲۰۷

استفاده شده است. به طوری که برای نمایش نتایج از نمودارها و جداول مختلف استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در مواردی که افراد تجربه زندگی و لمس اطلاعات پایه معماری را داشته‌اند درصد پاسخگویی درست کاربران بالاتر بوده و در مواردی که این اطلاعات پایه آموزش داده نشده و کاربران نیز در معرض معماری صحیحی که در بردارند اصول درست نبوده‌اند درصد پاسخگویی درست به طور معنی‌داری پایین است.

واژه‌های کلیدی: اصول معماری، معماری بومی، آگاهی‌های عمومی جامعه، آموزش معماری، جامعه‌شناسی معماری

مقدمه

گرایش‌های تخصصی در رشته‌های دانشگاهی و رویکردهای کاملاً تخصصی در پژوهش، حکایت از روند روبه توسعه در شاخه‌شاخه شدن علم دارند. از سوی دیگر، توسعه گرایش‌های تخصصی در هر کشور نشان‌دهنده تلاش اندیشمندان و مدیران آن کشور در جهت توسعه علم است. به بیان دیگر، تخصص‌گرایی، شاخص پیشرفت علم در هر جامعه تلقی می‌شود. در این میان حدود یک قرن پیش به تدریج حوزه وسیع و گسترده معماری به زیرمجموعه‌های کوچک‌تری تقسیم شد. ابتدا حوزه‌های معماری، عمران (راه و ساختمان) و شهرسازی از هم تفکیک شدند و سپس این رشته به حوزه‌های دیگری مانند طراحی منظر، مرمت بناها، طراحی فضاهای مسکونی و طراحی داخلی تجزیه شد. قطعاً در آینده نیز با توجه به گسترش تقسیم‌کار و فعالیت‌های اجتماعی مربوط به انواع فضاهای معماری و شهری، تجزیه این رشته به رشته‌های جدید دانشگاهی و حرفه‌ای ادامه خواهد یافت.

حداقل وجوه و مراتبی که برای معماری ذکر می‌شود وجه هنری و وجه فنی آن است. البته می‌توان به سایر وجوه آن مثل وجه هویتی، وجه نمادین، وجه معنوی، وجه ظاهری، وجه تاریخی، وجه فرهنگی، وجه فلسفی، وجه زیبایی‌شناسی و حتی وجوه اقتصادی و سیاسی نیز اشاره نمود. ضمن آن که حتی هر وجه به‌ویژه وجه هنری آن نیز با توجه به جهان‌بینی و فرهنگ موجد آن می‌تواند خود مراتب و جلوه‌ها و مصادیق مختلفی را دارا باشد (نقی زاده، ۱۳۸۰). زمانی هنر علیه مشکلات فراوان خود قد علم کرد که تصمیم گرفت به شکل هنر

عمومی پدیدار شود. واضح است که از طریق «پایین آمدن» در فضای همگانی، هنر معاصر به شکل هنری عمومی درآمده است (Gaie, 2010: 170). بعدازاین که هنر در معرض دید و تجربه انسان ها قرار گرفت، دیالوگ هنر و معماری عمومی با انسان آغاز شد. در ادبیات علوم انسانی اغلب مفهوم شهر با مفهوم تمدن یکی گرفته می شود و بنابراین شهر را نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می کنند. واژه ی Civitas در لاتین معادل واژه ی Polis یونانی است که در یونان باستان پیش از آنکه به معنی یک فضا باشد، به معنای نوعی سازمان یافتگی ویژه اقتصادی سیاسی منطبق بر یک فضای خاص است (Benveniste, ۱۹۶۹). هنری که در فضاهای بسته برای قشر خاصی عرضه می شد در اختیار همگان و به خصوص عوام قرار گرفت. برای ایجاد بستری برای آغاز، به تعریف دیکشنری آکسفورد تکیه می کنیم: «به طور کلی در ارتباط با مردم و عموم جامعه که برای مشاهده عمومی گشوده شده و موجودیت آن برای همه مردم است (Lambton, 1914).

از منظر دیگر رشته معماری با توجه به ماهیت ذاتی خود دارای تعاملی دوسویه بین جامعه و مردم هست. چراکه هر اثر معماری در نهایت توسط مردم مورد استفاده قرار می گیرد. این رابطه دوسویه معماری را در شرایط مختلف متأثر از باورها و فرهنگ مردم می کند. تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در معماری برنامه ریزی های شهری آن چنان گسترده است که هیچ یک از عناصر مختلف معماری را نمی توان بدون تأثیر چنین عواملی دانست. هر فرم و مجموعه شهری، همان طور که متأثر از عوامل اقلیمی و طبیعی است، نتیجه علایق و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مردم است. بنابراین در طرح و تدوین هر برنامه برای توسعه شهر، یا نوسازی و بهسازی شهری و بالاخره طراحی هر ساختمان، ارتباط چنین برنامه هایی از نظر فرم و سیمای شهری و محله ای و فرم و تیپ ساختمان ها با مسائل اجتماعی و جامعه شناسی شهری، بایستی مدنظر قرار گیرند. اطلاع از جنبه های فرهنگی علاوه بر اینکه برای یک مردم شناس ضروری است، برای یک معمار نیز بسیار واجد اهمیت است. به راین اساس آنچه در پی آمده است،

شرح حالی از اصول پایه‌ای معماری، بررسی آگاهی مردم از این اصول و عوامل مؤثر و مداخله‌گر در این امر هست و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

بیان مسئله

انسان‌شناسی شهری به مثابه یکی از زیرشاخه‌های اصلی انسان‌شناسی فرهنگی مطالعه بر انسان را با حرکت و بر اساس محوریت پدیده شهر در دستور کار خود قرار می‌دهد. در اینجا چه بر سر آن باشیم که انسان‌شناسی شهر را به انجام برسانیم و چه انسان‌شناسی در شهر در هر دو حالت شهر خود را به عنوان یک واقعیت بیرونی همه‌جاحاضر و دارای قدرت تام به سایر واقعیت‌های اجتماعی تحمیل می‌کند (Harnnerz, 1980. Raulin, 2001). با نگاهی کوتاه به پژوهش‌های متعددی مانند آسیب‌شناسی معماری معاصر ایران (جلالی، ۱۳۹۱)، علت کاوی بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران با تأکید بر سه‌گانه بینش، ارزش و کنش (رئیزی، ۱۳۹۵) و ... مشاهده می‌شود که با توجه به تخصصی‌شدن علم معماری و به تبع آن کم‌شدن آگاهی عمومی مردم از اصول معماری و همچنین با توجه به تأثیر متقابل معماری بر مردم و مردم بر معماری امروزه شاهد بروز مشکلاتی در عرصه ساختمان‌سازی شده است. ازجمله این مشکلات می‌توان به عدم‌کنترل و نظارت کافی مردم بر معماری، عدم‌توجه مسئولان ذیصلاح درزمینه‌ی ساختمان‌سازی و معماری به نیازهای فرهنگی مردم و ... پایین آمدن سطح سلیقه مردم در امور معماری چه درزمینه‌ی ساخت و یا خرید و اجاره ساختمان‌ها اشاره کرد. امید می‌رود هر چه مردم عامه سطح آگاهی بالاتری نسبت به اصول پایه‌ای معماری پیدا کنند به طبع آن از میزان خطاها در امر معماری کاسته شود و مردم عامه به عنوان یکی از هسته‌های تأثیرگذار، سازندگان و معماران را ملزم به رعایت دقیق‌تر اصول معماری کنند و این گونه مشکلات در سطح معماری و درنهایت شهرسازی کم‌رنگ شود.

در این رابطه پیش‌قدمی عامه مردم برای مشارکت با پیش‌قدمی دولت در این امر پایدارتر و ریشه‌دارتر می‌شود که خود باعث مزایایی دیگر چون شفافیت بیشتر

دموکراسی نمایندگی قوی تر و خط مشی های اجرایی تر می شود (موتسای، ۲۰۰۹). قدم اول در تحقق این مهم این هست که میزان آگاهی فعلی مردم سنجیده شود. در این پژوهش ابتدا با روش ها و مطالعات کتابخانه ای سعی در مشخص کردن اصول پایه ای معماری که از هر شهروندی انتظار می رود بداند کرده و سپس با طراحی پرسشنامه و در نهایت تحلیل آن وضعیت فعلی آگاهی را بسنجیم. لذا در همین زمینه در این نوشتار چارچوب کلی پژوهش در راستای پاسخگویی به این سؤال است که میزان آگاهی مردم عامه از اصول پایه ای معماری در دوران معاصر به چه میزان هست.

در این پژوهش فرضیه اصلی بر این است که به نظر می رسد سطح آگاهی عمومی مردم از اصول بنیادین معماری که برای هر شهروند دانستن آن ضروری می نماید بسیار کم است.

همچنین از اصول اساسی معماری حضور آفتاب و جهت نورگیری ساختمان، توجه به مصالح بوم آورد و منطبق بر اقلیم، توجه به جهت وزش باد غالب در منطقه و رعایت مباحث محرمیت فضایی است.

از آنجاکه ایجاد مسائل عمومی دارای فرآیندی اجتماعی و فرهنگی است تقویت روابط با شهروندان نوعی سرمایه گذاری برای خط مشی گذاری و هسته اصلی حکمرانی خوب است و به دولت ها اجازه می دهند تا به یک منبع جدید از اطلاعات ایده ها و منابع در مورد خط مشی دست یابند بنابراین دولت ها در جستجوی درگیر کردن عامه مردم در تصمیم ها به منظور بالا بردن سطح کیفیت اعتبار و قانونی کردن آن ها است (OECD, 2001). این پژوهش، در راستای بررسی میزان آگاهی عامه مردم از اصول پایه ای معماری که از هر شهروندی انتظار می رود بداند هست و برای دستیابی به این مهم سؤالات زیر مطرح می شود:

۱. اصول مشخصه معماری که دانستن آن ها برای عامه مردم لازم است کدام

هستند؟

۲. میزان آگاهی فعلی مردم از این اصول به چه میزان است؟

۳. عواملی که در میزان آگاهی مردم از این اصول تأثیر گذارند کدام ها

هستند؟

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که تأثیر مردم بر معماری هست، محوریت غالب پژوهش‌های انجام‌شده در این راستا را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد. دسته اول پژوهش‌های بسیاری که درباره تأثیر متقابل هنر و مردم هست. مقالاتی مانند نقدی بر نظریه جبریت اجتماعی هنر به عنوان مسئله مرکزی در جامعه‌شناسی هنر (۱۳۷۹) نوشته اعظم راودراد، معنای رئالیسم معاصر (۱۳۴۹) نوشته گئورگ لوکاش جز این دسته هست. دسته دوم این پژوهش‌ها از دیدگاه جامعه‌شناسی به بررسی تأثیر مردم بر شهر و سکونت‌گاه‌ها به‌طور کل پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به کتاب توسعه پایدار روستایی (۱۳۹۴) نوشته دکتر مصطفی ازکیا و علی ایمانی، جامعه‌شناسی شهری (۱۳۹۵) نوشته دکتر شارع پور، انسان‌شناسی شهری (۱۳۹۱) نوشته ناصر فکوهی، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران (۱۳۹۲) نوشته مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری، چهار هزار سال رشد شهری (۱۹۸۷) نوشته چاندلر، برنامه‌ریزی مجدد، سیاست‌های تغییرات شهری (۱۹۹۶) نوشته بریندلی و ... اشاره کرد.

مقالاتی مانند فضاهای عمومی شهری نظیر گودمن (۱۹۸۶)، برمن (۱۹۸۶)، وازر (۱۹۸۶)، گلازر (۱۹۸۷)، فرانسیس (۱۹۸۹)، تیباز (۱۹۹۲)، مدنی پور (۱۳۹۲)، سرکین (۱۹۹۲)، ورپول (۱۹۹۲)، کالسروپ (۱۹۹۲)، مدن (۱۹۹۳)، هیدن (۱۹۹۵)، ولفگانگ (۲۰۰۰)، راجرز (۲۰۰۳)، میرز (۲۰۰۳)، پاساگولاری (۲۰۰۴)، دراتلی (۲۰۰۴)، بر این نکته اشاره دارند که فضاهای عمومی شهری باید مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی باشند. (رفعیان، ۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۴۸).

در ایران نیز با توجه به اهمیت این موضوع تحقیقات متعددی بر روی فضاهای عمومی صورت گرفته است. از جمله می‌توان به برخی پژوهش‌ها که ارتباط بیشتری با تحقیق دارد از جمله رفعیان (۱۳۸۴)، رهنمایی (۱۳۸۶)، کاشانی جو (۱۳۸۸)، رفعیان و خدایی (۱۳۸۸)، دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۸) اشاره کرد (شجاعی، ۱۳۸۴).

دسته سوم این تحقیقات که به‌طور خاص از منظر شهرسازی و طراحی شهری به بررسی نقش و جایگاه مشارکت شهروندان در امور طراحی شهری پرداخته‌اند. دربارهٔ رابطه فرهنگ و معماری پژوهش‌های اندکی مانند مقالاتی چون رابطه فرهنگ و معماری (۱۳۹۵) نوشته مؤمنی و مسعودی، فرهنگ در پژوهش‌های معماری (۱۳۹۱). نوشته مظفر، حسینی و عبد مجیری صورت گرفته. اما تأثیر مردم بر معماری مسکونی که موضوع اصلی پژوهش حاضر هست مطالعات و پژوهش‌ها بسیار اندک بوده و بررسی مدون و علمی تاکنون از میزان اطلاعات مردم از امور معماری انجام نگرفته است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف آن، یک تحقیق کاربردی، از حیث نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی (غیر آزمایشی) و از شاخه مطالعات میدانی است. روش انجام تحقیق به‌صورت پیمایشی بوده که مهم‌ترین مزیت آن قابلیت تعمیم نتایج به‌دست‌آمده هست. در ابتدا با استفاده از ابزارهای گردآوری اطلاعات همچون منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه با متخصصان اصول پایه‌ای معماری که مورد بحث پژوهش حاضر است مشخص شد. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان شهر تهران بودند زیرا کلان‌شهر تهران با توجه به دارا بودن جمعیت زیاد، خرده فرهنگ‌های گوناگون و وضعیت اقتصادی ناهمگون ساکنین برای پژوهشی با موضوع بررسی آگاهی عامه مردم از اصول معماری، مکان مناسبی قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه ساختار سازمانی شهرداری بر اساس مناطق تنظیم شده است، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده تا یافته‌های تحقیق بر اساس مناطق به‌دست‌آمده در داخل هر ناحیه شانس شهروندان یکسان بوده و به‌طور تصادفی ساده انتخاب شوند. یعنی در این مرحله نمونه‌گیری قضاوتی نبوده است. سپس پرسشنامه محققین ساخت تنظیم گردید. در مرحله اول تعداد ۳۰ پرسشنامه بین افراد که با روش خوشه‌ای نمونه‌گیری شدند گردآوری و توزیع شد و با نرم‌افزار spss 16.0 مورد تحلیل قرار گرفت و پس از تعیین آلفای کرون باخ برخی سؤالات اصلاح شدند. ضریب آلفای کرون باخ نهایی ۷۶ درصد،

است که از قابلیت اعتماد ابزار تحقیق حکایت دارد. همچنین جهت آزمون روایی سؤالات از اعتبار محتوا استفاده شد. برای سنجش اعتبار محتوای پرسش‌نامه، از آرای متخصصان، اساتید دانشگاه و کارشناسان شهرداری استفاده شده است. در این مرحله، با انجام مصاحبه‌های گوناگون و کسب آرای افراد یادشده، اصلاحات لازم به عمل آمد و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسش‌نامه، همان خصیصه موردنظر محققین را می‌سنجد.

در مرحله بعد پرسشنامه‌ها میان ۲۰۰ نفر از افراد غیرمعمار در سطح مناطق بیست و دوگانه شهر تهران توزیع گردید. پس از وزن دهی داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری توسط نرم‌افزار SPSS 16.0 صورت گرفت و نتایج استخراج گردید. درنهایت، به مقایسه تطبیقی نتایج حاصله پرداخته شده است.

مبانی نظری تحقیق

● اصول پایه‌ای معماری

یکی از ملزومات مواجهه با علوم و فنون مختلف، آشنایی با مبانی و اصول آن است تا در این بین، مفاهیم بنیادین و روش و غایت آن مکشوف گردد و در درک حوزه‌های گوناگون آن موردنظر قرار گیرد. وجود اصول نسبتاً ثابت در معماری، امروزه مورد انکار و اعتراض شماری از مورخان معماری قرار می‌گیرد. درواقع تنوع تاریخی و تعدد امروزی خود بیانگر این بحث و جدل است. در این میان اجماع و اتفاق نظر ممکن نیست و این رویکردهای متفاوت معماری عمدتاً بیانگر دیدگاه‌های مفسران‌اند و نه خود موضوع تفسیر شده. فارغ از تفاوت‌های مشخص، با نگاهی به انسجام‌ها و همخوانی‌های ساختاری و نهفته در درون آن‌ها می‌توان نقاط مشترک و اصول ثابتی را یافت (پیرفون، ۱۹۸۳: ۱۵).

برخی از مقوله‌های کلی که مسائل قابل توجه در بنا از طریق آن‌ها در طراحی صورت‌بندی و عنوان می‌شوند عبارت‌اند از ۱- حوزه‌بندی کارکردی. ۲- فضای معماری. ۳- فرم بنا و مسیرهای حرکتی. ۴- پاسخ به بافت و ۵- پوشش ساختمانی (وایت، ۱۳۸۲: ۲۴). در این میان اصولی که دانستن آن‌ها برای عامه مردم از جهت

انتخاب معماری برتر حائز اهمیت بیشتری است، بر اساس نظر صاحب نظران در چهار دسته آفتاب و نقش آن در معماری، جهت وزش بادهای و اثرات بادهای بر ساختمان، محرمیت فضایی در معماری ایران با توجه به فرهنگ ایرانیان در طول اعصار مختلف و مصالح مورد استفاده در ساختمان و ارتباط آن ها با مصرف انرژی ساختمان است. بدیهی است دانستن کلیه فنون و تعاریف تخصصی خارج از نیاز این بحث هست و از منظر تعریفی که عامه مردم با آن ها آشنا هستند این مفاهیم معرفی می شوند.

تابش آفتاب: در ایران با توجه به قرار گرفتن این کشور در بالای خط استوا ما شاهد تابش آفتاب در ضلع جنوبی ساختمان هستیم. درواقع آفتاب تا قبل از ظهر در ضلع شرقی ساختمان، ظهر در ضلع جنوبی و بعدازظهر در ضلع غربی ساختمان در حرکت است. بهترین طرز قرارگیری ساختمان در مقابل آفتاب در جهت شرقی غربی است؛ زیرا دیوار جنوبی در زمستان بیشترین انرژی را کسب می کند. (قبادیان، ۱۳۸۲: ۷). آفتاب علاوه بر روشنایی در پاکیزه نگاه داشتن هوا، تأثیر مثبت آن در روانشناسی افراد، کمک به تهویه بهتر هوای داخل ساختمان و ... تأثیرات مهمی دارد. لذا در طراحی ساختمان های مسکونی بهتر است فضاهایی همچون نشیمن که کاربری بیشتری را در طول روز دارند را رو به آفتاب در نظر گرفت.

باد: ارزیابی جهت و شدت باد غالب در تقسیم بندی عملکردها در طراحی شهری اهمیت ویژه ای دارد. باد در انتقال صوت، آلودگی هوا و بو بسیار مؤثر است. در ایران بادهای باران زا از طرف دریای مدیترانه و اقیانوس هند می آیند. در نزدیکی سواحل دریاها و دریاچه های بزرگ یک باد محلی وجود دارد که دوره ی تناوب آن بیست و چهار ساعته است. فرم بنا و محل قرارگیری بازشوها نیز باید با توجه به باد طراحی شوند (قبادیان، ۱۳۸۲: ۱۰). در شهر تهران و اکثر شهرهای ایران جهت وزش باد غالب از سمت غرب است.

محرمیت در معماری: سرزمین بزرگ ایران از معدود کشورهای جهان است که در طول تاریخ حیات خود ارائه دهنده یک نوع فرهنگ معماری خاص به جهان

معماری بوده است (معماریان، ۱۳۷۵: ۵). استفاده از مفاهیم مناسبی همچون محرمیت فضایی که در گذشته مورد استفاده قرار گرفته و ثمربخشی آن‌ها ثابت شده است می‌تواند ما را در طراحی مناسب‌تر فضاها یاری کند. برای مثال منطق گسترش و ساخت فضاهای یک خانه در ارتفاع و بهره‌گیری از باد مطبوع و ایجاد ارتباط بصری با فضاهای بیرون آن چیزی است که در مناطق دیگر ایران چه در مناطق مرکزی و چه در شمال ایران دیده می‌شود. (معماریان، ۱۳۷۵: ۴۲۹). همچنین در گذشته برای ورود به خانه از هشتی استفاده می‌شد. هشتی فضای میانجی درون و بیرون یک ساختمان است چراکه درون خانه دارای حریم شمرده می‌شد و هرگز از بیرون نمی‌شد به اندرون خانه پا گذاشت (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۴۲). امروزه نیز می‌توان این مفاهیم را نه در صورت کاملاً مشابه بلکه با راهکارهای ساده‌تر معماری آن‌ها را در ساختمان‌ها پیاده کرد. مثل چرخش ساده ورودی که با بازکردن درب اصلی کل خانه مشاهده نشود. جداکردن بخش عمومی خانه از بخش خصوصی آن نیز امروزه می‌بایست مورد توجه طراحان قرار گیرد به طوری که فضای خصوصی خانه مثل اتاق‌های خواب و سرویس‌های بهداشتی دید مستقیم به فضای عمومی خانه نداشته باشند. راپاپورت مبنای رویکرد انسان‌شناختی به فضا را در درک فضا به عنوان مجموعه‌های پویا از صحنه‌ها می‌داند. صحنه به نظر او محدوده‌ای از فضا است که نظامی از فعالیت‌ها را در درون خود جای می‌دهد به صورتی که رفتارها با محیط درون آن فضا روابطی قابل انتظار به وجود می‌آورند (Rapoport, 1999).

مصالح: معماران ایرانی تلاش می‌کردند ساخت مایه مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین جاها به دست آورند و چنان ساختمان می‌کردند که نیاز به ساخت مایه جاهای دیگر نباشد و خودبسند باشد. بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می‌شد و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازوارتر درمی‌آمده است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه ساخت مایه آن در دسترس بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۱). مناطق مختلف ایران با توجه به اقلیم خاص خود با مصالح مشخصی بهترین بازده انرژی را دارد. به طور مثال در شهر تهران استفاده از اجر

به عنوان نما در مقایسه با سنگ مصرف انرژی بهینه تری را به دنبال خواهد داشت (صالح آهنگر، ۱۳۹۴).

● عامه مردم

در فرهنگ معین در معنی واژه عامه آمده است: (م) [ع. عامه] ۱ - (إفا). همه، همگان. ۲ - عموم مردم (فرهنگ معین) و همچنین در فرهنگ دهخدا هر چیز که شامل همه گردد و عمومیت داشته باشد.

مفهوم عامه مردم^۱ در روم باستان در برابر نجیب زادگان و اشراف^۲ به کار می رفته است و معرف طبقات پائینی از جامعه بود که برای احقاق حقوق مدنی و سیاسی خود علیه آنان به مبارزه برخاستند؛ اما در قرن نوزدهم این مفهوم در آثار سوسیالیست ها برای توصیف ویژگی های کارگرانی مورد استفاده قرار می گرفت که علیه بورژوازی قیام کردند. در روزگار ما این واژه به ندرت به کار می آید و در صورت کاربرد، زمینه ای مشحون از ایدئولوژی می یابد (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۶۸).

نقش عامه مردم در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد، نقش حساس و تعیین کننده ای است؛ نقشی که از قدرت بی بدیل عامه در اجتماع حکایت دارد. (پورعزت، ۱۳۸۶: ۳۸۴). با این تفاسیر بدیهی است که می بایست به دنبال معنای جامع تری از «عامه مردم» باشیم.

فرهنگ عامه در ایران برگردانی برای واژه «فولکلور» (Folklor) است که امروزه بحثی مهم در مردم شناسی به شمار می رود. البته این واژه به واقع بازسازی واژه «انتولوژی» (Anthology) بوده است که در زبان های اروپایی بخصوص فرانسه کاربرد داشته و در حال حاضر نیز این واژه که واژه ای مرسوم در علوم به معنای «مردم شناسی» است در انگلستان جای خود را به واژه انسان شناسی اجتماعی (Social anthropology) و در امریکا (Cultural anthropology) داده است و واژه فولکلور چندان واژه ای مرسوم در این کشورها نیست. امروز واژه فولکلور بیشتر به معنای دانش غیرنخبگان در تاریخ انسان شناسی مطرح می شود و رابطه نزدیکی

^۱ The Public

^۲ Patricians

با واژه‌هایی همچون Pop culture و Popular Culture به لحاظ معنایی دارد. اما واژه فولکلور که مرکب از دو بخش Folk به معنی توده و مردم و Lor به معنی دانش است، نخستین بار توسط یک باستان شناس انگلیسی ویلیام جان تامز (با نام مستعار «آمبروز مورتون») در سال ۱۸۴۶ میلادی پیشنهاد می‌شود. ویلیام تامز، فولکلور را به عنوان جانشینی برای اصطلاحات نادرست «عتیقات عامیانه» پیشنهاد کرد که عتیقه‌شناسان انگلیسی و زبان‌شناسان آلمانی در نیمه نخست سده نوزدهم میلادی برای مطالعه راه و رسم زندگی طبقات پایین اجتماع ساخته بودند. ویلیام تامز، فولکلور را گونه‌ای نظم علمی می‌دانست که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی است. اگرچه از نیمه دوم قرن نوزدهم همگام با گسترش علوم اجتماعی و بخصوص مردم‌شناسی شاخه جدید فولکلور رفته‌رفته توسعه یافت، لیکن همیشه به عنوان یک نظام علمی که به موضوع خاصی می‌پردازد و در خود آن موضوع نیز گونه‌ای ابهام وجود دارد به کار رفته است. پژوهشگران ابتدا «فولکلور» را فقط ادبیات عامه می‌دانستند، مانند قصه‌ها، افسانه‌ها، آرزوها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها و غیره؛ اما کم‌کم تمامی سنت‌هایی که در افواه آموخته می‌شود و آنچه مردمان در زندگی خارج از دبستان فرامی‌گیرند، جزو آن گردید. چندی بعد جست‌وجو کنندگان اعتقادات و اوهام، پیشگویی درباره زمان، نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه دانش عمومی نامیده می‌شد مانند گاهنامه، سنگ‌شناسی، جانورشناسی و داروهایی را که عوام به کار می‌بردند به این علم افزودند (سایت اینترنتی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۶/۵/۱۳۹۶).

بحث

از آنجاکه در این پژوهش در ارتباط با عامه مردم در نظر گرفته شده است سعی شده است از اصول معماری که بتواند در معرفی مختصر این عرصه به مخاطبان خویش تأثیرگذار باشد استفاده شود. در این راستا سعی شده در قالبی ساده و روان و به طور خلاصه و اجمال، به برخی مباحث مهم و مطرح در حوزه معماری و شهرسازی پرداخته شده و حتی الامکان از تفصیل مطلب و ارائه نکات تخصصی پرهیز شود. البته به خاطر وسیع بودن گستره مسکن، بالاجبار به بررسی این مهم در

محدوده جغرافیایی خاص تهران پرداخته شده است.

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه بسته پاسخ با ۱۴ سؤال و ۶ سؤال برای متغیرهای دموگرافی استفاده شده که شواهد و مراحل تدوین و نهایی شدن آن به شرح زیر است:

ابتدا بر اساس مستندات کتابخانه‌ای و شواهد محیطی معیارهایی حاصل شده و به طرح سؤالاتی از متخصصین (با جهت گیری متناسب با پژوهش) اقدام تا مقولاتی در موضوع میزان آگاهی مردم از اثرات نور و بادها در ساختمان، مصالح و حریمیت‌ها و حوزه بندی فضاها حاصل گردد. پس لازم است مراحل تبیین معیارها سنجش اهداف معین ارزش‌گذاری اهداف حاصله- استخراج مقولات (محتوی) انجام شده تا استخراج متغیرها و طراحی پرسشنامه مقدماتی صورت پذیرد (یوسف زمانی، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

پرسشنامه طراحی شده در مرحله اول در بین ۳۰ نفر از ساکنین مناطق مختلف تهران که بازه‌های شمال، مرکز و جنوب شهر تهران را در برمی‌گرفتند توزیع شد. داده‌ها وارد نرم‌افزار spss 16.0 شد و پس از بررسی آزمون آلفای کرون باخ و تغییر برخی سؤالات، پرسشنامه اصلی به‌قرار زیر طراحی شد (جدول ۱).

جدول ۱. پرسشنامه

ردیف	دسته	عنوان سؤال	برجسب مقادارها (Value Lable)
۱	آگاهی‌های عمومی	شما فکر می‌کنید به چه میزان به اصول معماری آگاهی دارید؟	۱-خیلی زیاد ۲-زیاد ۳-متوسط ۴-کم ۵-خیلی کم
۲	آگاهی‌های عمومی	شما معمولاً به چه میزان اطلاعات و دانستی‌هایی که در باب معماری است را مطالعه می‌نمایید؟	۱-خیلی زیاد ۲-زیاد ۳-متوسط ۴-کم ۵-خیلی کم
۳	آگاهی‌های عمومی	به نظر شما وضعیت فعلی معماری ایران در چه حد است؟	۱-بسیار خوب ۲-خوب ۳-متوسط ۴-ضعیف ۵-بسیار ضعیف
۴	نور	آیا میدانید آفتاب در ایران از کدام ضلع ساختمان می‌تابد؟	۱-جنوب ۲-شرق ۳-شمال ۴-غرب ۵-نمی‌دانم
۵	نور	به نظر شما اهمیت حضور تابش آفتاب در خانه به چه میزان است؟	۱-بسیار زیاد ۲-متوسط ۳-اهمیتی ندارد ۴-نمی‌دانم
۶	نور	به نظر شما کدام یک از فضاهای زیر رو به آفتاب باشد مهم‌تر است؟	۱-تشیمن و فضاهای عمومی مانند پذیرایی ۲-اتاق‌های خواب ۳-آشپزخانه ۴-فرقی ندارد ۵-نمی‌دانم

۷	نور	به نظر شما نورگیری خانه به ترتیب از کدام جهت‌های مختلف زیر بهتر است؟	۱-جنوب، شرق، شمال و غرب ۲-جنوب، شمال، شرق و غرب ۳-شمال، غرب، جنوب و شرق ۴-شمال، شرق، جنوب و غرب ۵- نمی‌دانم
۸	باد	آیا جهت وزش بادهای ایران در طراحی نقشه خانه می‌تواند نقش داشته باشد؟	۱-بادهای اثرگذارند، در طراحی نقشه مهم‌اند ۲-بادهای اثرگذارند، در طراحی نقشه زیاد مهم نیستند ۳-بادهای اثرگذارند ولی در طراحی نقشه مهم نیستند ۴-بادهای اثرگذار نیستند ۵-نمی‌دانم
۹	باد	به نظر شما از جهت اقلیمی (وزش باد و باران) بهتر است در کدام قسمت از خانه بازشوها (در و پنجره) کمتر باشند؟	۱-غرب ۲-شمال ۳-شرق ۴-جنوب ۵- یکسان است ۶-نمی‌دانم
۱۰	محرمیت	به نظر شما بهتر است درب ورودی خانه وقتی باز می‌شود...	۱-به هیچ کدام از قسمت‌های خانه دید نداشته باشد. ۲-به کل فضای داخل خانه دید داشته باشد. ۳-فرقی ندارد ۴-نمی‌دانم
۱۱	محرمیت	قرارگیری درب اتاق‌های خواب در وسط فضاهای عمومی مثل نشیمن...	۱-بد است ۲-خوب است ۳-فرقی ندارد ۴-نمی‌دانم
۱۲	محرمیت	بهترین جای قرارگیری سرویس‌های بهداشتی در خانه کجاست؟	۱-کنار اتاق‌های خواب و فضاهای خصوصی ۲-در کنار نشیمن و فضاهای عمومی ۳-در کنار آشپزخانه ۴-فرقی ندارد ۵-نمی‌دانم
۱۳	مصالح	آیا شما در منطقه محل سکونت خود مصالح ساختمانی که با آب‌وهوای منطقه سازگاری بیشتری دارد را میدانید؟	۱-بله میدانم ۲-تا حدودی میدانم ۳-خیر نمی‌دانم ۴-آب‌وهوای منطقه تأثیری در انتخاب مصالح ساختمانی ندارد
۱۴	مصالح	به نظر شما برای نمای ساختمان‌ها در آب‌وهوای گرم و خشک کدام مصالح از نظر مصرف انرژی و سازگاری بیشتر با آب‌وهوا، مناسب‌تر است؟	۱-چوب ۲-سنگ ۳-آجر ۴-نمی‌دانم

متغیرهای دموگرافیک

جدول ۲. متغیرهای دموگرافیک

ردیف	عنوان سؤال	مقیاس اندازه‌گیری	برچسب مقادیر (Value Label)
۱	جنسیت	اسمی	۱- زن ۲- مرد
۲	سن	فاصله‌ای	۱ (۱۸ تا ۲۳) ۲ (۲۴ تا ۳۰) ۳ (۳۱ تا ۴۰) ۴ (۴۱ تا ۵۰) ۵ (۵۱ تا ۶۰) ۶ (بالتر از ۶۰)
۳	میزان تحصیلات	ترتیبی	۱ (زیر دیپلم ۲) دیپلم ۳ (لیسانس ۴) فوق‌لیسانس و بالاتر
۴	وضع فعالیت	اسمی	۱ (شاغل ۲) محصل ۳ (دانشجو ۴) خانه‌دار ۵ (سرباز ۶) بیکار ۷ (بازنشسته)
۵	نوع شغل	اسمی	۱ (بازاری ۲) فرهنگی ۳ (کارمند ۴) کارگر ۵ (خدمات بهداشتی و درمانی ۶) سایر
۶	منطقه محل سکونت	اسمی	۱ (بین مناطق ۱ تا ۲۷) ۲ (بین مناطق ۲۸ تا ۳۱) ۳ (بین مناطق ۱۵ تا ۲۲)

آزمون فرضیه

از آنجاکه هنر طرح پرسشنامه متضمن تفکر پیشاپیش درباره مسئله‌ی تحقیق معنای مفاهیم و نحوه تحلیل داده‌ها است پرسشنامه باید هم بازتاب تفکر نظری باشد هم بازتاب شناخت تحلیل داده‌ها. در مورد پرسشنامه تحقیقات تبیینی توجه به این چهار وجه سودمند است:

۱. سنجه‌های متغیر (متغیرهای) وابسته: باید تعیین و تصریح کرد که در پی تبیین چه چیزی هستیم و چه پرسش‌هایی برای سنجش آن تدوین کنیم.
۲. سنجه‌های متغیر (متغیرهای) مستقل: باید اطمینان حاصل کرد که پرسش‌هایی برای سنجش متغیرهای علی داریم.
۳. سنجه‌های متغیرهای آزمون: این متغیرها به روشن کردن ماهیت روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته کمک می‌کنند.

۴. سنجه‌های متغیرهای زمینه‌ای: پرسش درباره خصوصیات مانند سن، جنس مذهب تحصیلات شغل وضع تأهل برهه‌های زندگی قومیت و امثالهم از پرسش‌های نسبتاً عادی هم پرسشنامه‌ای است با این اطلاعات می‌توان پی برد الگوها بر حسب خرده گروه‌های مختلف تفاوت دارند یا خیر. (دواس، ۱۳۹۴، ۸۸)

آزمون روایی و پایایی پرسشنامه

آزمون روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و از طریق مصاحبه با اساتید و متخصصان معماری صورت پذیرفت. میزان پایایی پرسشنامه به روش هم‌آهنگی نسبی بیان سؤالات آزمون‌های کرونباخ به دست آمده و کرونباخ به قرار زیر محاسبه گردید؛ که مقدار عددی آن ۰,۷۶۱ به دست آمد که نشان از احراز اعتبار پرسشنامه است.

$$\alpha = \frac{K}{K-1} \left(1 - \frac{\sum_{i=1}^K \sigma_i^2}{\sigma^2} \right)$$

آزمون آلفای کرونباخ

در این رابطه K تعداد پرسش‌ها و σ_i^2 واریانس هر پرسش و σ^2 واریانس کل

پرسش‌ها است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

بیشتر روش‌هایی که برای پیشگیری از بی‌اعتباری بیرونی به کار می‌روند به انتخاب نمونه مربوطه‌اند: ۱- نمونه‌های تصادفی را به کار ببرید. ۲- نمونه‌های ناهمگون را به کار ببرید و مطالعه را چندین بار تکرار کنید. ۳- نمونه‌ای را انتخاب کنید که نماینده گروهی است که نتایج به آنها تعمیم داده خواهد شد. (Cook & Campell, 1979).

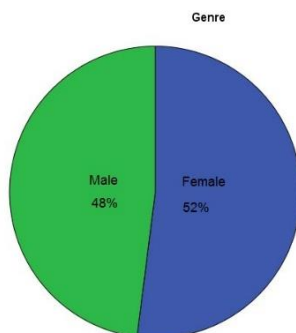
جامعه آماری این پژوهش، شهروندان شهر تهران بودند زیرا کلان‌شهر تهران با توجه به دارا بودن جمعیت زیاد، خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و وضعیت اقتصادی ناهمگون ساکنین برای پژوهشی با موضوع بررسی آگاهی عامه مردم از اصول معماری، مکان مناسبی قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه ساختار سازمانی شهرداری بر اساس مناطق تنظیم شده است، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده تا یافته‌های تحقیق بر اساس مناطق به دست آمده در داخل هر ناحیه شانس شهروندان یکسان بوده و به‌طور تصادفی ساده انتخاب شوند. یعنی در این مرحله نمونه‌گیری قضاوتی نبوده است.

در مرحله اول با توجه به بازه‌های متغیرهای دموگرافی از تعداد کل ۲۰۰ پرسشنامه ۸۰ درصد آن بین دانشجویان رشته معماری قرار گرفت. به هرکدام ۱۰ پرسشنامه توزیع تا دانشجویان آن‌ها را بین افراد غیرمعمار در سطح شهر پخش کنند. بدین ترتیب نمونه‌ها از تقریباً تمام مناطق تهران و به صورت تصادفی انتخاب شدند. همچنین ۲۰ درصد پرسشنامه‌ها در سه فضای عمومی شهری در سه پراکندگی جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر در بین افراد مراجعه کننده غیرمعمار پخش شد.

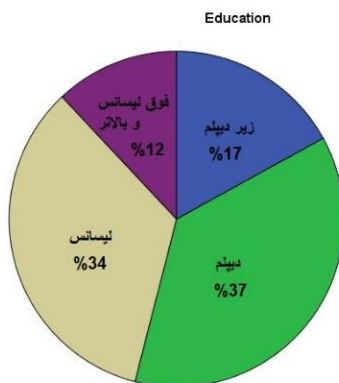
تحلیل یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه و واردکردن داده‌ها در نرم‌افزار spss 16.0 یافته‌های پژوهش حاضر به صورت زیر ارائه شد (نمودارهای ۱ تا ۵).

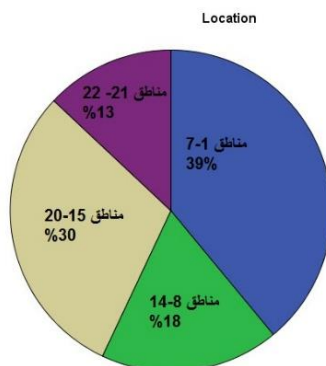
نمودار ۱. درصد جنسی کاربران نمودار



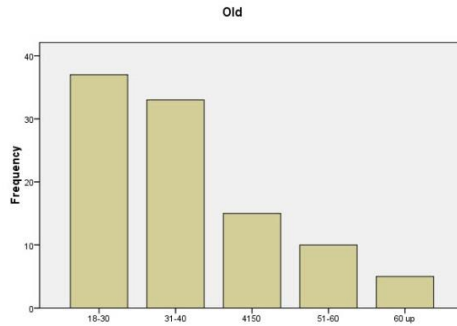
نمودار ۲. درصد تحصیلات کاربران



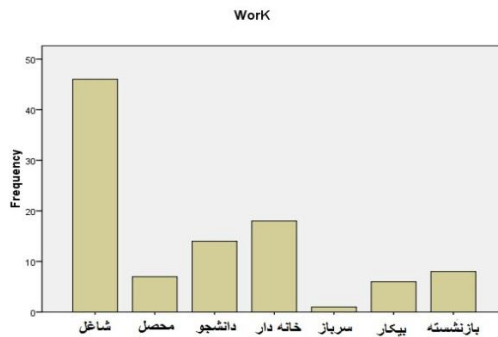
نمودار ۳. درصد مناطق سکونت کاربران



نمودار ۴. درصد سنی کاربران



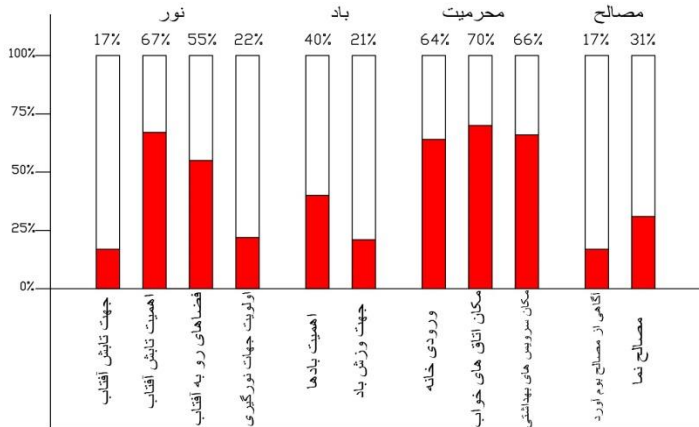
نمودار ۵. درصد شغلی کاربران



همان‌طور که ملاحظه می‌شود درصد پاسخ‌دهندگان زن و مرد در این پژوهش با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بکار رفته به تعداد تقریباً برابر بوده است. همچنین با بررسی اجمالی وضعیت تحصیلات پاسخ‌دهندگان به این نکته می‌توان پی برد که اکثریت افراد جامعه و مردم عامه در سطح سواد دیپلم و لیسانس می‌باشند؛ و همچنین بازه سنی افراد پاسخگو، که این مهم خود در بحث شناخت‌شناسی افراد عامه و تأثیرات آگاهی‌های عمومی از معماری خود می‌تواند موضوع پژوهش دیگر باشد، همچنین در محیط شهری تهران اکثریت افراد پاسخگو شاغل هستند که از آن میان ۱۰ درصد بازاری، ۱۱ درصد فرهنگی، ۱۴ درصد کارمند می‌باشند و بقیه گروه را سایر شغل‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین با توجه به وسعت جغرافیایی هر منطقه آمار تقریباً قابل قبولی از توزیع پرسشنامه در مناطق جغرافیایی شمال مرکز، جنوب به‌دست آمده است.

درصد پاسخگویی درست کاربران به هر دسته از سؤالات

نمودار ۶. درصد پاسخگویی درست کاربران به هر دسته از سؤالات



در بررسی و تحلیل پاسخ‌های درست در مبحث نور مشخص می‌شود که تقریباً ۶۷ درصد مردم عامه از اهمیت نقش نور در خانه اطلاع دارند؛ اما این آمار با توجه به اهمیت علم افراد به حضور نور در منزل مسکونی عدد پایینی به شمار می‌رود. همچنین میزان آگاهی افراد از جهت تابش آفتاب ۱۷ درصد است که رقم بسیار پایینی است. لذا نتیجه می‌شود که افراد عامه در هنگام انتخاب یا ساخت مسکن مقوله بسیار مهم تابش آفتاب را در خانه مورد بررسی قرار نمی‌دهند. همچنین به دنبال آن اولویت جهات مختلف نورگیری ساختمان نیز بر آن‌ها پوشیده است.

در بررسی سؤال مربوط به انتخاب فضاهای مهم تر رو به آفتاب نیمی از افراد پاسخ صحیح را داده‌اند که این مسئله می‌تواند ارتباط باتجربه‌ای داشته باشد که انسان‌ها به مرور در طول زندگی و بدون آموزش متوجه تأثیر نور و آفتاب در محیط‌های مسکونی شده‌اند.

متأسفانه در بحث بادشناسی اکثریت افراد از تأثیر و حضور بادهای در ساختمان‌ها و محیط‌های زندگی خود بی‌اطلاع هستند و باز به‌طور معنی‌داری درصد بیشتری از افراد عامه مردم قائل به اهمیت نقش بادهای در طراحی ساختمان هستند.

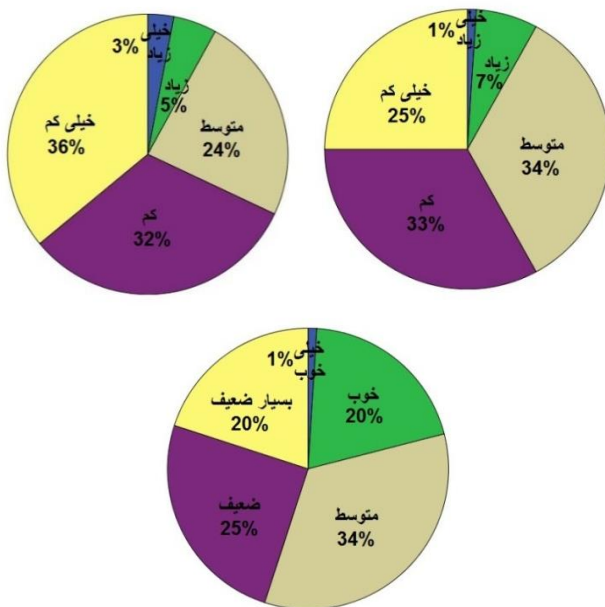
در بحث جانمایی فضاهای خانه و حفظ محرمیت و حوزه بندی فضایی دیده

می‌شود افراد بیشتر از سه گروه دیگر سؤالات قبل، اطلاعات بیشتری دارند. در بررسی مصالح بوم‌آورد و مصالحی که از لحاظ اقلیمی مطابق با منطقه محل سکونت هستند دیده می‌شود اطلاعات بسیار پایین است و با توجه به فرضیه ابتدایی که بر کم بودن آگاهی افراد در این زمینه دلالت می‌شد، در تحلیل نوع سؤالی که خودآگاهی افراد را می‌سنجد می‌توان گفت نوع پاسخ دیده شده اکثریت افراد مؤید این نکته است که افراد به اشتباه فرض برداشتن اطلاعات جامعی از مصالح را دارند (نمودار ۶).

در هر چهار مورد بالا به وضوح مشاهده می‌شود در مواردی که افراد تجربه زندگی و لمس ملموس اطلاعات پایه معماری را داشته‌اند درصد پاسخگویی درست کاربران بالاتر بوده و در مواردی که این اطلاعات پایه آموزش داده نشده و کاربران نیز در معرض معماری صحیحی که دربردارنده اصول درست می‌بوده قرار نگرفته‌اند و لذا درصد پاسخگویی درست به‌طور معنی‌داری پایین است.

سؤالات عمومی

ارزیابی آگاهی عمومی معماری مطالعه مباحث معماری کیفیت معماری ایران



در تحلیل پاسخ های عمومی کاربران از میزان آگاهی خود از اصول معماری، مشاهده می شود که بیش از نیمی از کاربران بر میزان کم اطلاعات و دانش خویش در حوزه معماری آگاه اند و درصد زیادی از افراد علی رغم اهمیت موضوع اذعان بر مطالعه و پیگیری و حتی آشنایی کم با مباحث معماری را دارند.

در بررسی دیگر به عمل آمده که سنجش میزان آگاهی مردم از وضعیت موجود معماری ایران مشاهده می شود که بیش از نیمی از افراد جامعه وضعیت موجود را مناسب قلمداد نمی کنند و این امر حکایت از نارضایتی مردم از معماری کنونی ایران را دارد.

رسانه ها و ارتباط آنها با فرهنگ سازی اصول معماری

اکنون انبوه رسانه های خرد و کلان، محلی و جهانی، دولتی و خصوصی و غیره، فرهنگی را شکل داده و می دهند که به آن نام فرهنگ رسانه ای داده اند. ما سوژه های چنین فرهنگی هستیم و در زیست جهان رسانه ای و بلکه چندین و چند رسانه ای زندگی می کنیم. تعاملات هرروزه ما با رسانه های گوناگون اعم از تلویزیون، رادیو، مطبوعات، سینما، اینترنت، بازی های ویدئویی و رایانه ای و دیگر شکل های متکثر رسانه ای به خوبی نشان دهنده ماهیت فضایی است که پیرامون ما شکل گرفته و در دیالکتیک مدام با ما صورت های نو به نو یافته است (سرفراز، ۱۳۹۰). اهمیت این مسئله آنچنان فزونی می یابد که رسانه ها نه یکی از مختصات زیست جهان ما در کنار اجتماع، اقتصاد، سیاست، دموکراسی، شهروندی و غیره هستند، بلکه همه این موارد، مفاهیم و مختصاتی از این دست در زیست جهان کنونی بیش از پیش رسانه ای می شوند و اینجاست که مفاهیمی چون جامعه نمایش، ارتباطات سیاسی، سایبردموکراسی، شهروندی فرهنگی و الخ نشان دار می گردد. پس در این زمینه و به لحاظ معرفتی شناخت و کسب آگاهی از مختصات رسانه ها از اهمیت دوچندان برخوردار می شود و مطالعات رسانه ای، آموزش سواد رسانه ای یا آنچه اخیراً و به ویژه در بریتانیا با عنوان آموزش رسانه ای (Media Education) مطرح شده است را از انحصار آکادمی بیرون کشیده و به عرصه عمومی - از جمله محیط ها یا فضا های شهری و شهروندی می کشاند.

رسانه‌ها می‌توانند از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی شهرها قلمداد شده و با کمک آنها ضمن تسهیل نقش‌های سنگین و پرمخاطب، می‌توان زمینه همراهی اجرای قوانین و مقررات شهری و در نتیجه القاء تصمیمات را نیز فراهم نمود. ارائه مستندهای معماری، رعایت اصول معماری و ارائه معماری درست در برنامه‌های تلویزیون و سوق دادن توجه ناخودآگاه مردم به دیدن معماری صحیح و ... می‌تواند ابزاری بسیار مهم در افزایش سطح آگاهی عمومی تلقی شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بدیهی بودن اهمیت معماری مناسب در کیفیت حالات و رفتارهای انسان در طول شبانه‌روز ضرورت پرداخت همه‌جانبه به این مهم از ابعاد مختلف و اساسی آن ایجاب می‌کند که شناخت اصول معماری درست در مردم نهادینه شود. تصمیم‌گیری‌های عمومی با هدف حل مسائل عمومی انجام می‌پذیرد. در مورد مسائل عمومی، ماهیتی عمومی دارند که عدم توجه به آن هزینه اجتماعی را بالا می‌برد و توجه و حل به موقع آن‌ها منافع اجتماعی را حداکثر می‌کند. توجه به مسئله عمومی و تلاش در جهت حل آن‌ها بدون مشارکت عامه مردم امکان‌پذیر نیست. چون مسئله بعد عمومی، اجتماعی و مردمی دارد. این مقاله تلاش دارد تا در قدم اول سطح آگاهی مردم از اصول پایه معماری سنجیده شود.

تحلیل و بررسی کلی یافته‌ها حاکی از آن است که اطلاعات مردم از اصول پایه‌ای نور، مصالح و بادها به نسبت اهمیت آن‌ها کم و فقط در حوزه‌بندی فضایی و بحث حریمیت فضایی است که مشاهده می‌شود درصد پاسخگویی درست بیشتر است.

در مواردی که خود مردم تجربه برخورد با این عوامل را داشته‌اند (همانند نقش نور در ساختمان و یا حریمیت و حوزه‌بندی فضایی) به‌طور معنی‌داری اطلاعات مردم بیشتر از مواردی (مانند شناخت از اهمیت و تأثیر بادها و مصالح همگام با اقلیم) است که نه آموزش دیده‌اند و نه تجربه حضور در معماری صحیح را داشته‌اند.

درنهایت باید به این نکته اشاره کرد که آگاهی مردم از اصول اولیه و مهم

معماری به عنوان قطب مهم کنترل و نظارت بر ساختمان سازی در ایران منوط به توجه بیشتر مسئولین به امر فرهنگ سازی بیشتر این اصول در بین افراد عامه است. همچنین با استفاده از رسانه به عنوان یکی از مهم ترین ابزارها در راستای آموزش و فرهنگ سازی اصول معماری و همچنین آموزش حقوق شهروندی می توان برای کارگزاران و مسئولین ساختمان سازی برنامه های منسجمی ارائه کرد. مواردی همچون تأثیر سواد و شغل و ... در میزان آگاهی افراد و همچنین روش های فرهنگ سازی این اصول در بین مردم می تواند موضوع پژوهش های آینده باشد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی. (۱۳۹۴). *توسعه پایدار روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). *توسعه ی روستایی با تأکید بر جامعه ی روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان. ص ۲۶۸.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۶). *مبانی دانش اداره دولت و حکومت*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ص ۳۸۴.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۳). *سیک شناسی معماری ایرانی*. تألیف و تدوین غلامحسین معماریان. مرکز کتاب دانشگاهی. ص ۳۱.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۷). *معماری ایرانی*. تألیف و تدوین غلامحسین معماریان. انتشارات سروش دانش. ص ۱۴۲.
- مظفر، فرهنگ و حسینی، سیدباقر و عبدمجیری، امین. (۱۳۹۱). *فرهنگ در پژوهش های معماری*. نشریه مسکن و محیط روستا. تابستان ۱۳۹۱، دوره ۳۱، شماره ۱۳۸.
- جلالی، معین. (۱۳۹۱). *آسیب شناسی معماری معاصر ایران*. همایش ملی صدسال معماری و شهرسازی ایران معاصر.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). *انسان شناسی شهری*. تهران. نشر نی.
- راودراد، اعظم. (زمستان ۱۳۷۹). *نقدی بر نظریه جبریت اجتماعی هنر به عنوان مسئله مرکزی در جامعه شناسی هنر*، مجله هنرهای زیبا، دوره ۸، شماره ۰ - شماره پیاپی ۱۰۰۰۴۰۳.
- رفعیان، مجتبی و خدایی، زهرا. (۱۳۸۸). *بررسی شاخص ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری*. راهبرد، ۱۸ (۵۳). ۲۲۷-۲۴۸.
- ریسی، محمد منان. (۱۳۹۵). *علت کاوی بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران با تأکید بر سه گانه بینش، ارزش و کنش*. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۲۱ شماره ۴ زمستان ۱۳.
- سرفراز، حسین. (۱۳۹۰). *آموزش سواد رسانه‌ای: خلاقیت و نقادی شهروندان در فرهنگ*

- رسانه‌ای امروز. سمینار رسانه و آموزش شهروندی.
 شارع پور، محمود. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی
 با مقیاس‌های مختلف شهر تهران. باغ نظر، شماره ۳۴. پاییز.
 صالح آهنگر، مژگان. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی میزان تفاوت انرژی مصرفی مصالح آجر و سنگ در پوسته‌ی خارجی ساختمان با بهره‌گیری از نرم‌افزار ECOTECT. نخستین همایش ملی انرژی، ساختمان و شهر.
 قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ. ص ۷ و ۱۰.
 لوکاج، گئورگ. (۱۳۴۹). معنای رئالیسم معاصر. ترجمه فریبرز سعادت. انتشارات نیل.
 مایس، پیرفون. (۱۳۸۳). نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان). ترجمه سیمون آیوازیان. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ. ص ۱۵.
 معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۵). آشنایی با معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. ص ۵ و ۴۲۹.
 مؤمنی، کوروش و مسعودی، زهره. (۱۳۹۵). رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران). جلوه هنر، دوره ۸، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۵، بهار و تابستان.
 نقی زاده، محمد و امین زاده، بهناز. (تابستان ۱۳۸۰). وجوه افتراق هنر مادی و هنر معنوی، مجله هنرنامه: شماره ۱۱.
 وایت، ادواردت. (۱۳۸۲). مفاهیم پایه در معماری. ترجمه محمد احمدی‌نژاد. تهران: نشر خاک. ص ۲۴.
 یوسف زمانی، مهرداد. (۱۳۸۹). پایان نامه دکتری معماری: بررسی و بازتعریف جایگاه مشارکت در فرایند طراحی. دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران: ص ۱۶۵-۱۸۰.
 یوسف زمانی، مهرداد. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای آموزش طراحی مجتمع‌های زیستی، فصل‌نامه فن‌آوری آموزش دانشگاه شهید رجایی تهران. ص ۲۵۵.
 Benveniste, E., 1969, Le vocabulaire des institutions indo-europeennes, 2 vol., Paris, Minuit.
 Brindley, T. et al., (1996), Re-Making Planning: the Politics of urban Changes, London, Routledge.
 Chandler, Tertius, 1987, Four Thousand Years of Urban Growth: An Historical Census, Lewinston, St. Gavid's
 Cook, T. D., & Campell, D. T. (1979). Quasiexperimentation: Designs &

- analysis for field studies. Skohie, IL: Rand McNally.
- Gail, Motsi, (2009), *Evaluating Citizen Engagement in Policy Making*, A paper presented at the Canadian Evaluation Society Conference (institute on Governance), NO.2, Ottawa
- Gaie, S. (2010). *Public Art and Space*. University of Oradea: Faculty of visual arts. pp. 170.
- Hannerz (1980), U., 1980, Exploring the city: Inquiries toward an urban anthropology.
- Lambton, G. (1914). *Stealing the show: Seven Women Artists in Canadian Public Art*. By Caractra. Quebec: Production Graphiqua Quebec. pp. 4.
- OECD, public management brief, (2001). "Engaging citizen in policy making: information, consultation and public participation", puma policy brief, NO10. pp 1
- Rapoport, Amos, 1999. *Spatial Organization and the Built Environment*, in, Ingold, Tim. P463-467
- Raulin, Anne, 2001. *Anthropologie urbaine*, Paris, A. Colin
- سایت اینترنتی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (۱۶/۵/۱۳۹۶). به نشانی:
<https://www.cgie.org.ir/fa/news/215483>